



The Relationship between the government and the urban society of Shiraz in the Zandiyeh era and its effect on the establishment of the Qajar government

Vahid Kargar jahromi¹ Sadeghi Gandomani, Maqsood Ali²

1. Ph.D. of Islamic Iranian History. History Department, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Teacher of History, Karaj, Alborz, Iran. Email: Iranvahidjahromi@gmail.com

2. (Corresponding Author) Associate Professor of History Department, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran. Iran. Email: m_sadeghi@modares.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 1Nove2022

Received in revised

form:5Janu2023

Accepted: 25 Janu 2023

Publishedonline:8April2023

Keyword :

Relationships,
Zandiyeh Government
Urban community,
Shiraz,
Qajar Government,
powerful government,
Incompetent government.

The relations between the government and the urban society of Iran were not the same in different periods, and how the rulers acted, such as establishing order and security in the city, establishing justice in the society, dealing with the oppression of government officials, providing social and civil services, and attracting the support of tribes and groups at the same time. urban areas played an important role in their relationship with the people and the level of satisfaction of the society as well as the continuation or fall of a government. The main issue of the current research is how the Zandiyeh government is related to the urban society of Shiraz and its effect on the establishment of the Qajar government. The answer to this question is found by descriptive and analytical methods and relying on library information. Based on the findings of the research, the relationship between the government and the people of Shiraz can be divided into two general categories: authoritarian (strong) governments and non-authoritarian (weak) governments. Meanwhile, authoritarian governments can be divided into two groups: efficient governments (with the general characteristics of benevolent actions of the ruler aimed at the public interest and as a result the relative satisfaction of the people) and inefficient governments (with the characteristics of individual and private self-interest of the rulers) and as a result of people's dissatisfaction) categorized. The relationship between the kings of Zandiyeh and the people of Shiraz can be placed in one of the mentioned categories, and this affected on the fall of the Zandiyeh government and the rise of the Qajar government.

Cite this article: Kargar jahromi,Vahid& Sadeghi Gandomani, Maqsood Ali (2023). The Relationship between the government and the urban society of Shiraz in the Zandiyeh era and its effect on the establishment of the Qajar government. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.32 Pages295-323.

DOI. 10.22111/JHR.2022.41850.3355



© The Author: Vahid Kargar jahromi, & Maqsood Ali Sadeghi Gandomani,
Publisher: University of Sistan and Baluchestan



مناسبات حکومت و جامعه شهری شیراز عصر زندیه و تأثیر آن بر روی کار آمدن حکومت قاجاریه

وحید کارگر جهرمی^۱ مقصودعلی صادقی گندمانی^۲

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس و دبیر تاریخ، آموزش و پرورش ناحیه یک کرج، البرز،

ایران vahidjahromi@gmail.com

۲. نویسنده مسئول) دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران، m_sadeghi@modares.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

واژه‌های کلیدی:

مناسبات،

حکومت زندیه،

جامعه شهری،

شیراز،

قاجاریه،

حکومت اقتدارگرا

حکومت غیر مقتدر.

مناسبات حکومت و جامعه شهری ایران در دوره‌های مختلف یکسان نبود و چگونگی اقدامات حاکمان مانند برقراری نظم و امنیت در شهر، برقراری عدالت در جامعه، برخورد با ظلم و ستم مأموران حکومتی، خدمات اجتماعی و عمرانی و جلب حمایت همزمان نیروهای قبایل و گروه‌های شهری، نقش مهمی در روابط بین آنها با مردم، میزان رضایتمندی جامعه و همچنین تداوم و یا سقوط یک حکومت داشت. مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی ارتباط حکومت زندیه با جامعه شهری شیراز و تأثیر آن بر روی کار آمدن حکومت قاجاریه است که نگارندگان با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این مسأله برآمده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، مناسبات حکومت با مردم شیراز را می‌توان در دو دسته کلی حکومت‌های اقتدارگرا(قوی) و غیرمقتدر(ضعیف) تقسیم کرد. در این میان، حکومت‌های اقتدارگرا را می‌توان خود به دو گروه حکومت‌های کارآمد(با ویژگی‌های کلی اقدامات خیرخواهانه حاکم و معطوف به مصلحت عمومی و در نتیجه رضایت نسبی مردم) و ناکارآمد(با ویژگی‌های منفعت طلبی فردی و خصوصی حاکم و در نتیجه نارضایتی مردم) دسته‌بندی کرد. مناسبات پادشاهان زندیه با مردم شیراز را می‌توان در یکی از دسته‌های مذکور قرار داد و این موضوع در سقوط حکومت زندیه و روی کار آمدن حکومت قاجاریه نیز تأثیر داشت.

استناد: کارگر جهرمی، وحید و صادقی گندمانی، مقصودعلی (۱۴۰۲) مناسبات حکومت و جامعه شهری شیراز عصر زندیه و تأثیر آن بر

روی کار آمدن حکومت قاجاریه، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۲، ص ۲۹۵-۳۲۳.

DOI. 10.22111/JHR.2022.41850.3355

© نویسندگان . وحید کارگر جهرمی و مقصودعلی صادقی گندمانی



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

گستره جغرافیایی ایالت فارس به مرکزیت سیاسی شیراز، منطقه پهناوری است که در روند تحولات سیاسی، اجتماعی ایران تأثیرگذار بوده است. با اینکه شهرنشینی در دوره اسلامی تداوم عصر ساسانی بود؛ اما با تغییر مذهب رسمی کشور دگرگونی‌هایی در فضای کالبدی شهرها اتفاق افتاد. حیات شهری در ایران به خصوص از قرون سوم تا هفتم ه.ق رونق نسبی یافت و شهر شیراز هم از این قاعده مستثنی نبود؛ تا آنجا که این شهر در دوران دیالمه، اتابکان سلغری، آل اینجو و آل مظفر به عنوان پایتخت انتخاب شد. با تأسیس حکومت صفویه و اقتدار حکومت مرکزی به خصوص در دوران شاه عباس اول، زندگی شهری در شیراز رونق یافت و این شهر به اوج شکوفایی خود رسید. با شورش افغان‌ها، دوباره آرامش از اقشار جامعه گرفته شد. هرچند با آمدن نادرشاه افشار و اخراج افغان‌ها تا حدودی رونق و نظم و امنیت در شیراز شکل گرفت، اما در اواخر حکمرانی او و شکل‌گیری ناپایداری سیاسی در زمان جانشینانش، شهر ناامن شد و مناسبات حاکمان با اقشار جامعه - شهری رو به افول گرایید. با غلبه کریم‌خان زند بر مدعیان قدرت و انتخاب شیراز به پایتختی و به دنبال آن ایجاد پایداری سیاسی در کشور، امنیت بار دیگر در شیراز شکل گرفت. او با انجام اقداماتی مانند برقراری نظم و آرامش در کشور، حمایت از صنعت و تولیدکنندگان داخلی، تلاش برای برقراری عدالت در جامعه، برخورد با ظلم و ستم مأموران حکومتی، توسعه اقتصادی در کشور، حمایت از اقلیت‌های مذهبی، جلب حمایت همزمان نیروهای قبایل و گروه‌های مختلف شهری مانند بازرگانان و تجار، موجبات رضایت اقشار مختلف مردم شیراز را فراهم آورد. عدم انجام اقدامات ذکر شده از سوی کریم‌خان در زمان بیشتر جانشینان او، باعث شروع دوباره هرج و مرج و ناامنی در شیراز تا آغاز حکمرانی حکومت قاجاریه شد. این موضوع نقش مهمی در حمایت اقشار مختلف مردم شیراز از مؤسس حکومت قاجاریه به امید بازگشت به دوران نسبتاً طلایی کریم‌خان زند داشت.

درباره مناسبات حکومت و جامعه شهری شیراز عصر زندیه تحقیقاتی به خصوص در مجموعه مقالات کنگره زندیه نوشته شده است. هر چند، برخی از مقالات این مجموعه مانند «جایگاه تجاری شیراز در دوره زندیه» (خلیفه، ۱۳۸۹: ۲۵۱ - ۲۶۸)، «موسیقی در دوره زندیه» (رومز، ۱۳۸۹: ص ۳۴۹ - ۳۵۸)، «ملاحظات درباره ساختار دولت و شیوه حکومتی کریم‌خان زند» (قدیمی قیداری،

۱۳۸۹: ص ۵۰۵ - ۵۳۶)، «شکل‌گیری و تحول بازار در شهرهای ایرانی - اسلامی، با تأکید بر بازار وکیل شیراز» (پاک‌شیر، ۱۳۸۹: ص ۸۰۳ - ۸۲۴) تا حدودی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک می‌باشند؛ اما نویسندگان این آثار، بیشتر به روابط حکومت زندیه با یکی از اقشار جامعه پرداخته‌اند و یا به شکل کلی، مناسبات حکومت با مردم سرتاسر ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. از دیگر مقالات می‌توان به «ساختار و عملکرد سیاسی - نظامی شهرها در دوره قدرت‌گیری کریم خان زند» (دهقانی و شعبانی، ۱۳۹۴: ص ۵۷ - ۸۲)، «شالوده‌های شهری و مناسبات قدرت از فروپاشی افشاریه تا مرگ کریم خان زند» (متولی، ۱۳۹۱: ص ۶۳ - ۸۳) و «جایگاه شهرها در مناسبات سیاسی - نظامی با مدعیان جانشینی کریم خان زند (۱۲۰۹-۱۱۹۳ق)» (دهقانی، ۱۳۹۷: ص ۸۹ - ۱۰۸) اشاره کرد. نویسندگان این آثار نیز به صورت کلی، مناسبات حکومت زندیه با مردم ایران را به رشته تحریر در آورده و به شکل موردی به موضوع پژوهش حاضر نپرداخته‌اند. محمدعلی رنجبر نیز در مقاله «رابطه نهاد سیاسی و مذهبی در حکومت زندیه؛ دوره تعامل محدود» تنها به مناسبات نهاد سیاسی با نهاد مذهبی پرداخته است (رنجبر، ۱۳۸۹: ص ۵۷ - ۸۳). پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای نشان دهد، مناسبات اقشار مختلف جامعه شهری شیراز با حکومت زندیه در دوران حکمرانان مختلف این سلسله یکسان نبود و روابط بین آنها بسته به چگونگی اقدامات حاکمان و عکس‌العمل مردم متفاوت بود. همچنین در این پژوهش تأثیر این مناسبات بر روی کار آمدن حکومت قاجاریه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. حکومت اقتدارگرا و غیر مقتدر

برخی از پژوهشگران غربی همه حکومت‌های سیاسی در ایران را از نوع استبداد شرقی توصیف می‌کنند و معتقدند جامعه ایران در طول تاریخ شاهد سیطره استبداد مطلقه بوده است. منتسکیو، مفهوم استبداد شرقی را براساس ویژگی‌های جغرافیایی پایه‌گذاری کرد که بعدها توسط سایر متفکران اروپایی از جمله آدام اسمیت، ریچارد جونز، جان استوارت میل، مارکس (نظریه شیوه تولید آسیایی)، انگلس، ویتفولگ و ماکس وبر (طرح حکومت‌های پاتریمونیا) تکمیل گردید (ویتفولگ، ۱۳۹۱: ص ۵۷۲ - ۵۷۳؛ ولی، ۱۳۷۵: ص ۱۸۰ - ۱۸۱). به طور نمونه در مکاتبات مارکس و

انگلس، پادشاه مستبد شرقی، بر کلیه منابع ثروت کشور تسلط دارد. بر اساس فرضیه استبداد شرقی، تمرکز قدرت در دست شاه، تبعاتی داشت که نخستین آن ناکارآمدی حکومت بود. ویتفوجل، خشکی و کم آب بودن کشورهای شرقی مانند ایران و ضرورت مدیریت متمرکز بر تولید و توزیع آب در این سرزمین‌ها را باعث ظهور استبداد مطلقه در این کشورها دانسته است. او در کتاب خود با نام استبداد شرقی، از نوشته‌های انگلس در مورد آبیاری برای ایجاد نظریه دولت‌های آبی استفاده کرد که در آن حکومت به علت اختیاری که در نظارت و سلطه بر امور حیاتی جامعه دارد، قادر به کسب قدرت مطلقه است و نیرویی برتر از جامعه می‌شود (ویتفوجل، ۱۳۹۱: ص ۲۲ - ۲۶؛ آبراهامیان، ۱۳۷۶: ص ۱۱). این نویسندگان، هر حکومت مرکزی و متمرکز در ایران و همه حکومت‌های استبدادی را خودکامه می‌پندارند و تفاوتی بین این حکومت‌ها قائل نیستند. به اعتقاد آنها، در یک حکومت استبدادی، حاکم بدون توجه به رضایت مردم و تنها مطابق میل و نظرات خود بر افراد جامعه حکومت می‌کند و در واقع جان و مال مردم که رعایا خوانده می‌شوند در دست او می‌باشد (رحمانیان و هژبریان، ۱۳۹۱: ص ۹۴-۹۷). به طور نمونه، منتسکیو درباره ویژگی حکومت‌های استبدادی در ایران چنین می‌نویسد: «در ایران وقتی پادشاه کسی را محکوم کرد، دیگر نمی‌توان با او در این باب حرف زد یا استدعای عفو نمود، ولو اینکه فرمانش در حال مستی و بدون تعقل صادر شده باشد، باید فوراً اجرا شود، چه در غیر این صورت نقض قول خواهد نمود و قانون را که امر شاه است نمی‌توان نقض نمود. این طرز فکر در ایران همیشگی بوده است» (منتسکیو، ۱۳۴۹: ص ۱۲۰ - ۱۲۱).

برخی از پژوهشگران ایرانی مانند محمدعلی کاتوزیان نیز جوامع آسیایی و یا شرقی را استبدادی قلمداد کرده‌اند. با اینکه تفاوت‌هایی در رویکرد این پژوهشگران در نگاه به تاریخ ایران وجود دارد؛ اما همه آنها به وجود پادشاه خودکامه و خصیصه قدرت مطلقه داشتن آنها در طول تاریخ ایران اشاره کرده‌اند. به اعتقاد آنها، در چنین جامعه‌ای برخلاف غرب، امکان شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و گروه‌های صنفی که بتوانند مبارزاتی را علیه حکومت سازماندهی کنند، وجود نداشته است. پادشاه بر جان و مال مردم تسلط دارد و هر بلایی که می‌خواستند بر سر مردم می‌آوردند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰:

ص ۷). نوایی نیز درباره ویژگی حکومت‌های مطلقه و استبدادی چنین می‌نویسد: «در این نوع حکومت که ساده‌ترین و بدوی‌ترین صورت حکومت است، تشکیلات سیاسی و اداری پیچیده‌ای وجود نداشته. شاه حاکم بر جان و مال مردم بوده ... در چنین حکومت‌هایی آن چه به حساب نمی‌آمد، مردم یا به اصطلاح آن زمان رعایا بودند... از رعیت فقط به انواع مختلف مالیات و خراج و سرانه و حصه می‌گرفتند، ولی برای او کاری انجام نمی‌دادند» (نوایی، ۱۳۴۸: ص ۱۶۵-۱۶۷).

این در حالی است که همه حکومت‌های تأسیس شده در ایران را نمی‌بایست مانند هم در نظر گرفت و مناسبات بین حاکمان با مردم در دوره‌های مختلف یکسان نبود. در واقع، نباید از نقش و عاملیت نهادهای اجتماعی و تأثیرگذاری اجتماعی آنها در دوره‌های تاریخی مختلف در ایران غفلت کرد. به نظر می‌رسد، برخلاف فراروایت‌ها یا نظریه‌های کلان استبداد شرقی و شیوه تولید آسیایی، همه حکومت‌های مستقر در ایران، قبل از دوران مدرن، را می‌توان به دو دسته حکومت‌های اقتدارگرا (قوی و قدرتمند) و غیرمقتدر (ضعیف و ناتوان) تقسیم کرد و آنان را با یکدیگر همسان ندانست. در این میان، حکومت‌های اقتدارگرا را می‌توان خود به دو گروه جداگانه‌ی حکومت‌های کارآمد و حکومت‌های ناکارآمد تقسیم کرد و بین آنان تفاوت قائل شد. با اینکه در هر دو گروه (حکومت‌های کارآمد و ناکارآمد) قدرت پادشاه، مطلقه و به نوعی استبدادی است یا حداقل توانایی و نیروی لازم برای اعمال قدرت مطلقه را دارند، اما نحوه مناسبات هر یک از این دو حکومت با جامعه متفاوت است.

پادشاه در حکومت اقتدارگرا از نوع ناکارآمد، در جهت منافع شخصی خود و ضد منافع جامعه حکم می‌راند. حکومت در این دسته، از هیچ گونه ستم و ظلمی به مردم برای رسیدن به خواسته‌های خود فرو نمی‌گذارد. در این نوع، مناسبات بین حکومت و جامعه شهری تقریباً یک سویه و از نوع رابطه حاکم و محکوم است و مخالفان پادشاه، حتی نهادهای قدرتمند خودسر و مداخله‌گر به شدت توسط او سرکوب می‌شوند. به طور کلی، اقدامات پادشاه در این نوع از حکومت، در راستای مصلحت عمومی نیست و مردم تقریباً منفعل هستند و حق اظهارنظر و شکایت به تصمیمات و اقدامات حاکم را ندارند و فرمانبری و اطاعت مطلق آنها، خواسته اصلی پادشاه مستبد است. مردم معمولاً یا

سرکوب شده و یا به درخواست‌های آنها توجهی نمی‌شود. آنها به دلیل تهدید و ترس از پادشاه تبعیت می‌کنند و در واقع این تبعیت با کراهت و از روی بی‌میلی است. در چنین حکومت‌هایی اصلاحات کمتر رخ داده و اکثریت جامعه به دنبال فرصت مناسب برای سرنگونی حاکم ناکارآمد هستند. در این دسته از حکومت‌ها، معمولاً حاکم نمی‌تواند برای مدت زمان طولانی بر مردم حکومت کند و سرانجام از سوی آنها سرنگون می‌شود.

پادشاه در حکومت اقتدارگرا (از نوع کارآمد)، با اینکه قدرت مطلقه را در اختیار دارد، اما از این قدرت در جهت منافع جامعه نیز استفاده می‌کند و تنها به دنبال حفظ و یا به دست آوردن منافع شخصی خود یا گروهی محدود نیست. او تلاش می‌کند با اتخاذ سیاست‌هایی هم به دوام حکومت خود و هم رشد جامعه کمک کند. پادشاه در این دسته هر چند به گروه‌ها و نهادهای مداخله‌گر ضد منافع جامعه، اجازه قدرت‌یابی و دخالت در امر حکومت نمی‌دهد، اما با انجام اقداماتی عامه‌پسند مانند برقراری نظم و امنیت در جامعه و تأمین شرایط برای امنیت کار و زندگی کشاورزان، پیشه‌وران و بازرگانان، برخورد با خشونت و بی‌عدالتی مأموران حکومتی با مردم و حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تلاش برای رونق اقتصادی، آبادانی کشور و رفاه عمومی، رضایت اقشار مختلف مردم را نیز به دست می‌آورد. بنابراین، در این دسته، معمولاً مردم آزادی عمل بیشتری دارند و می‌توانند به اشکال مختلف، اعتراض و درخواست‌های خود را به پادشاه و حاکمان ایالات، مطرح کنند و حتی در موارد نسبتاً زیادی از آنها رفع ظلم می‌شود. در این نوع حکومت، پیروی مردم از پادشاه از روی رضایت و میل درونی است. بنابراین، با اینکه در حکومت‌های اقتدارگرا (ناکارآمد و کارآمد)، حاکم مرکزی قدرت مطلقه دارد؛ اما این حکومت‌ها دو هویت کاملاً متفاوت و در برابر هم داشتند و در نتیجه واکنش مردم و نیروهای مؤثر در کشور نیز در قبال آنها متفاوت بود. بنابراین باید بین این دو دسته از حکومت‌های اقتدارگرا در تاریخ ایران تفاوت قائل شد.

در نقطه مقابل حکومت‌های اقتدارگرا (کارآمد و ناکارآمد)، حکومت‌های غیرمقتدر (ضعیف و ناتوان) قرار دارند. اقتدار بی‌چون و چرا و مستبدانه پادشاهان در حکومت‌های غیرمقتدر، تقریباً امری ظاهری است و قدرت آنها از طرف اقشار مختلف جامعه شهری غیرحاکم مانند تجار و بازرگانان،

خاندان‌های بانفوذ محلی، روحانیان، اصناف، نهادهای واسط بین حکومت و جامعه محدود می‌شد. در نظام سیاسی نوعی تکثر و پراکندگی در منابع قدرت وجود دارد که حکومت توانایی اعمال قدرت بر آنها به صورت یکجانبه را ندارد. به نوعی حکومت در این دسته را می‌توان یک حکومت ضعیف تلقی کرد. از نظر میگردان، حکومت‌های ضعیف، به این دلیل ضعیف می‌باشند که پاره‌های پراکنده جامعه، همچنان قوی مانده‌اند و توانسته‌اند در سطوح مختلف با اقدامات حکومت مخالفت نمایند. به اعتقاد او در این نوع حکومت، فرار از مالیات و دیگر اشکال سرپیچی مردم بسیار رایج است و رقابت مسلحانه با دولت وجود دارد. به طور کلی، حکومت ضعیف به خوبی نهادینه نشده و از کمبود اقتدار رنج می‌برد. در این حالت، وضعیتی از نبود کامل قدرت، هرج و مرج و خشونت پدیدار خواهد شد و نظم امور از هم خواهد گسست (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸؛ اونیل، ۱۳۸۶: ۵۳). بنابراین، در حکومت‌های غیرمقتدر (ضعیف و ناتوان) با کاهش کم و بیش قدرت حکومت مرکزی مواجه‌ایم. با اینکه در این دسته نیز، پادشاه در رأس نظام سیاسی ایران قرار داشت؛ اما او فاقد ابزارهای لازم برای اعمال حاکمیت مقتدرانه (کارآمد یا ناکارآمد) است. به نظر می‌رسد، همان‌طور که در ادامه به آن پرداخته شده است، حکومت پادشاهان زندیه و نحوه مناسبات آنها با مردم اقشار مختلف جامعه شهری شیراز را می‌توان در هر یک از دسته‌های مذکور، یعنی حکومت‌های اقتدارگرا (کارآمد و ناکارآمد) و حکومت‌های غیرمقتدر قرار داد.

۳. مناسبات حکومت زندیه با مردم شیراز

پس از قتل نادرشاه در ۱۱۶۰ ه.ق، شیراز هر از مدتی در اختیار گماشتگان یکی از داعیان سلطنت قرار می‌گرفت. عدم ثبات قدرت مرکزی در این دوران باعث شکل‌گیری ناامنی در شیراز شد و مردم را در شرایط دشواری قرار داد. غارت و ویرانی بناها و برج و باروی شهر شیراز، ظلم و ستم به مردم و ناامنی در دوران شش ماهه فرمانروایی علیمردان خان بختیاری در ۱۱۶۵ ه.ق به اوج خود رسید و شیراز در این مدت کوتاه به ویرانه‌ای تبدیل شد. گزارش‌های منابع مختلف در آن دوران نیز نشانگر شرایط سخت مردم شیراز قبل از به حکومت رسیدن کریم خان زند است (کلانتر، ۱۳۲۵: ۴۱ - ۴۵؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۴۲۷ - ۴۳۳).

با غلبه کریم‌خان زند بر رقیبان مختلف و انتخاب شیراز به پایتختی (۱۱۸۰ ه.ق)، این شهر بار دیگر به آرامش و ثبات سیاسی دست یافت. کریم خان به ترمیم خرابی‌های شیراز همت گماشت و بناها و ساختمان‌های زیادی در شهر تأسیس کرد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۵ - ۱۶۱؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۹۹ - ۳۰۳). از آنجا که سیاست‌های کریم‌خان در راستای مصلحت عمومی جامعه بود، او در بین مردم شیراز محبوبیت زیادی دست یافت. بررسی مناسبات کریم‌خان زند با اقشار مختلف مردم شیراز نشان می‌دهد، که در مجموع می‌توان دوره پادشاهی او در شیراز را نمونه‌ای از حکومت اقتدارگر (از نوع کارآمد) در نظر گرفت.

۱،۳ مناسبات کریم خان با تجار و اصناف

کریم‌خان به اهمیت رشد تجارت و بازرگانی در اقتصاد کشور واقف بود و تلاش کرد با انجام اقداماتی زمینه‌های بازگشت دوباره تجار ثروتمند به پایتخت که در دوران ناپایداری سیاسی بعد از مرگ نادرشاه از ایران خارج شده بودند را فراهم آورد (نیبور ۱۳۵۴: ۲۰۸ - ۲۰۹؛ دیولافوا ۱۳۷۱: ۴۴۲). او به خصوص بعد از سرکوب میرمهنا در خلیج فارس، ورود همه بازرگانان به ایران را آزاد کرد (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

علاوه بر این کریم خان به منظور رونق داد و ستد در شیراز، بازار و کاروانسراهایی ساخت که از آن میان بازار وکیل از همه بزرگتر و معروف‌تر بود. در این بازار، مغازه‌ها و حجره‌های زیادی قرار داشت که در آنها انواع کالاها در معرض داد و ستد قرار می‌گرفت (اسکات و ارینگ، ۱۳۹۷: ۶۳؛ فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۹ - ۲۰). او حتی گاهی اوقات به منظور نظارت شخصاً در بازار حضور می‌یافت، تا آنجا که صاحب رستم‌التواریخ در این باره چنین می‌نویسد: «کریم خان، با تأنی و تأمل و توقف، می‌آمد و تماشای بازار و دکانین می‌نمود و تحسین و آفرین می‌فرمود» (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۳۶۲). برقراری امنیت و آرامش در شیراز به عنوان یکی از ارکان مهم تجارت و بازرگانی، از جمله اقدامات دیگر کریم‌خان در این زمینه بود. او برای رسیدن به این هدف، اقدامات زیادی انجام داد. از جمله دیواری از گچ و سنگ و آجر با برج‌هایی که در آن بنا شده بود برای جلوگیری از حملات دشمن و حفاظت از شهر ساخت. همچنین به دستور او گرداگرد شهر خندق عمیقی ایجاد گردید که دسترسی به شهر را برای مهاجمان مشکل می‌کرد. شیراز در دوره کریم‌خان شش دروازه داشت که به دستور

کریم‌خان نغمه‌بان‌ها و دیدبان‌هایی از آنها حفاظت می‌کردند (دنبلی، ۱۳۴۹: ج ۱، ۱۲۶ - ۱۲۷؛ اسکات و ارینگ، ۱۳۹۷: ۶۱). او همچنین اقدام به دایر کردن یک نیروی انتظامی ممتاز برای جلوگیری از شورش و طغیان در شهر شیراز و مجازات خطاکاران کرد که مورد رضایت اقشار مختلف مردم و به ویژه بازرگانان قرار گرفت (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۸۸).

کریم‌خان حتی به منظور توسعه تجارت و صنعت در شیراز، اقداماتی در زمینه کاهش مالیات در شیراز انجام داد. گفته شده مالیاتی که تجار شیراز به کریم‌خان پرداخت می‌کردند از همه دوران‌ها کمتر بود (همان، ۹۰؛ گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۲۲) و این موضوع نقش مهمی در مناسبات حسنه بین او با تجار و بازرگانان شیراز داشت. او برای تعیین میزان مالیات پیشه‌وران نیز، با رؤسای صنوف مشورت می‌کرد و اقداماتی به منظور بنیان‌گذاری کارگاه‌های بزرگ صنعتی انجام داد. مثلاً در شیراز کارگاه شیشه‌گری بنیان نهاد که فرآورده‌های این کارگاه نه تنها در ایران بلکه در کشورهای همسایه هم به فروش می‌رسید (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۴۴۲؛ گراتتوفسکی، ۱۳۵۹: ۳۰۰).

کریم‌خان حتی در زمینه تجارت خارجی نیز تلاش کرد ضمن برقراری تجارت با خارج، از ضربه زدن شرکت‌های خارجی به اقتصاد کشور جلوگیری کند. از جمله برای تشویق بازرگانان هندی به منظور آمدن به شیراز، به تأسیس کاروانسرای هندی‌ها در شیراز اقدام کرد که در مقابل آن از ایشان پول دریافت می‌شد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۲۰؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۱۵۷). با وجود این، اقدامات او در زمینه تجارت خارجی کاملاً موفق و قابل مقایسه با دوره شاه عباس نبود. تجارت دریایی خلیج فارس در دوران او در اختیار کشورهای انگلیس، هلند و فرانسه بود. البته فعالیت این کشورها در آن هنگام بیشتر به کارهای بازرگانی محدود بود و در آن زمان دولت‌های اروپائی در زندگی اقتصادی و سیاسی ایران نفوذ چندانی نداشتند (گراتتوفسکی، ۱۳۵۹: ۳۰۲). این کشورها همواره با یکدیگر درگیر بودند و البته اقدامات شورشیان عرب مانند میرمهنا در حمله به منافع تجاری آنها نیز باعث شده بود تا گاه مجبور به تغییر دارالتجاره خود از بندرعباس و بوشهر به خارج از ایران شوند. خروج آنها از کشور به بازرگانی خارجی ایران و به خصوص پایتخت خسارت وارد کرد. کریم‌خان در واکنش به به انتقال مرکز بازرگانی انگلیسی‌ها به بصره، به این شهر حمله کرد و مستقیماً با این کشور و البته

عثمانی‌ها درگیر شد. برخی منابع، این اقدام کریم‌خان را باعث ضربه به اقتصاد ایران و کشته شدن تعداد زیادی از نیروهای ایران دانسته‌اند و به همین دلیل از او انتقاد کرده‌اند (کلانتر، ۱۳۲۵: ۶۸؛ گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۶، ۱۱۳ - ۱۲۰، ۱۲۵ - ۱۲۹).

۲،۳ مناسبات کریم‌خان با روحانیان و اقلیت‌های مذهبی

کریم‌خان از مذهب تشیع و روحانیون شیعه نیز حمایت می‌کرد و برخلاف نادر با سکه زدن به اسم امام غایب (صاحب‌الزمان)، ساختن مساجد و بقاع و توجه به نمازهای جماعت به تقویت مذهب شیعه پرداخت. نادرشاه با گرفتن بخش بزرگی از زمین‌های اوقاف از روحانیان شیعی، درآمد آنها را کاهش داده بود (پری، ۱۳۶۸: ۳۱۲ - ۳۱۳؛ کوزنتسوا، ۱۳۸۶: ۱۵ و ۷۸). به نظر می‌رسد، هر چند انجام چنین اقداماتی موجبات رضایت روحانیان شیراز از کریم‌خان را فراهم آورده بود و آنها را از فشار افغان‌ها و سیاست‌های نادر نجات داد؛ اما انجام برخی کارها از سوی کریم‌خان، باعث رنجش آنها از وی نیز شده بود. زیرا او در راستای تقویت حکومت خود در شیراز حاضر به تقسیم قدرت با نهادهای قدرتمند و مداخله‌گر شهری نیز نبود. به همین دلیل، همواره تلاش می‌کرد مانع از دخالت روحانیان در امور مملکتی شود. به نظر می‌رسید در راستای همین هدف، هر چند برای برخی روحانیانی مانند امام جمعه، قاضی، شیخ‌الاسلام، صدر و نایب صدر، مستمری در نظر گرفت (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۳۲۲)؛ اما به آنها اجازه نداد جایگاه سیاسی برای خود قائل شوند و به عنوان مشاوران عالی و تأثیرگذاران جدی در شیوه فرمانروایی و نوع کشورداری سهیم باشند. کریم‌خان با اینکه عالمان دینی را احترام می‌گذارد و اطرافیان را به تحصیل دانش ترغیب می‌کرد؛ اما با قراردادن مستمری برای طلاب علوم دینی مخالفت کرد (همان، ص ۳۲۲ - ۳۲۳؛ رنجبر، ۱۳۸۹: ص ۷۷).

علاوه بر این، کریم‌خان از نظر مذهبی شخص متعصبی نبود و حتی گفته شده که بر اثر معاشرت با آرامنه و گرجی‌ها، به نوشیدن شراب به حد افراط روی آورده بود (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۷؛ دُنْبی، ۱۳۵۰: ۵۸/۲). احتمالاً پذیرفتن این موضوع به دلیل آنکه در دین اسلام نهی شده بود، برای روحانیان و اکثریت شیرازی‌های متعصب دشوار بود. هر چند برخی منابع به این موضوع اشاره کرده‌اند که ایرانیان از نوشیدن شراب در دوران کریم‌خان، «بیم و پروایی» نداشته‌اند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۲)؛ اما گزارش‌هایی از آن دوره مبنی بر ایجاد تنفر از

کریم‌خان در بین «کارگزاران عمده» او و تلاش آنها برای قتل وی به دلیل نوشیدن بیش از اندازه شراب وجود دارد (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۷). احتمالاً اگر رضایت مردم شیراز از مجموع اقدامات و سیاست‌های کریم‌خان نبود، تحمل این موضوع برای آنها غیرقابل تحمل بود و با برخورد شدید آنها روبه‌رو می‌شد.

کریم خان حتی، سیاست مدارا با پیروان ادیان دیگر را نیز تعقیب می‌کرد. در دوران او تقریباً همه ادیان مانند مسیحیان، یهودیان و زردشتیان از آزادی برخوردار بودند. به خصوص رابطه کریم خان با ارمنی‌ها بسیار نزدیک بود (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۴۴۲). این ارتباط حسنه تا آنجا بود که برخی از ارمنه به اشتباه فکر می‌کردند، او در پنهانی به دین مسیحیت گرایش دارد، تا آنجا که نیبور در این باره چنین می‌نویسد: «چون کریم خان از ابتدای جوانی به رفت و آمد با ارمنیها عادت کرده است، امروز هم نسبت به مسیحیها رفتار بسیار خوبی دارد. چندی پیش کریم خان پسر بزرگ خود [ابوالفتح خان] را در یک کلیسای ارمنی به جلو محراب برد و از یک اسقف ارمنی خواست، تا برای او دعا بکند. از این‌روی ارمنیها فکر می‌کنند، که کریم خان در پنهانی مسیحی است، اما این رفتار کریم خان هدف‌هایی سیاسی داشت» (نیبور، ۱۳۵۴: ۲۰۸).

در گزارش کارملیت‌ها از ایران نیز چنین آمده است: «او نسبت به اتباع مسیحی خود نظر مساعدی دارد، خدا او را حفظ کند و کامیاب گرداند» (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

البته کریم‌خان مسلمان بود و به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی حمایت او از مسیحیان و دیگر گروهها، تلاش برای تشویق آنها به ورود دوباره به شیراز و پرجمعیت کردن ایران بود که در گذشته به دلیل ناامنی و ناپایداری سیاسی از کشور خارج شده بودند (همان، ۱۱۰). با اینکه منابع آن دوره از ناموفق بودن سیاست کریم خان در بازگشت بازرگانان ارمنی‌ها و مبلغین کاتولیک به دلیل پیش‌بینی آنها از وقوع اوضاع بحرانی در ایران بعد از مرگ او حکایت دارد (همان، ۱۰۷؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۱۵۷)؛ اما تلاش او در این زمینه که می‌توانست در رونق بخشیدن به امور تجاری و بازرگانی در شیراز تأثیرگذار باشد، قابل توجه بود.

۳,۳ مناسبات کریم‌خان با نیروهای خودسر

کریم‌خان هر چند با کمک نیروهای ایلی به قدرت رسیده بود، اما همواره نگران شورش و دخالت آنها در امور حکومت بود و تلاش می‌کرد با انجام اقداماتی آنها را تحت کنترل خود در آورد. برآورده شدن این هدف، علاوه بر تقویت حکومت مرکزی، نقش مهمی در برقراری نظم و امنیت در شیراز و در نتیجه رونق تجارت و بازرگانی داشت. از جمله اقدامات کریم‌خان انتقال هزاران خانوار از ایلات سرکش شیراز به خارج از شهر بود (گلستانه، ۱۳۵۶: ۳۴۲). او همچنین به منظور برقراری نظم و امنیت در خارج از شیراز، حاکمان بومی در هر شهر را ابقا و برخی خوانین و سرکشان کشور را با هدف جلوگیری از شورش به شیراز منتقل کرد (همانجا). در اقدامی دیگر، پسران و زنان حاکمان ایالت‌ها را به عنوان گروگان، برای تضمین وفاداری آنها در شیراز نگاه داشت (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

اما به نظر می‌رسد، از بین بردن همه مخالفان حکومت برای کریم‌خان غیرممکن بود و به گزارش برخی منابع، این موضوع حتی باعث ترس و وحشت او از مخالفان شده بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۲۱۰؛ گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۷). به نظر می‌رسد نوشیدن بیش از اندازه شراب توسط کریم‌خان، باعث شده بود گاه در برخورد با مخالفان، تند و خشن عمل کند. تا آنجا که در این باره چنین نوشته شده است: «بدبخت کسی است که او را عصبانی کند، در حالی که سرش با شراب گرم است، یعنی بریدن گوش، بینی و کور کردن امری عادی است» (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

با اینکه کریم‌خان به طور کلی مخالف خونریزی بود و تلاش می‌کرد با ترحم، مردم ایران و به خصوص شیرازی‌ها را به سوی خود جلب کند (همانجا)؛ اما قتل و عام برخی از سران طایفه زند و مخالفان و حتی کشتار افغان‌ها (پری، ۱۳۶۸: ۱۵۱ - ۱۵۲، ۳۱۱ - ۳۱۲)، از نکات منفی در کارنامه سیاسی او محسوب می‌شود.

هر چند گزارش‌هایی از هجوم نیروهای خودسر به جاده‌ها و غارت کاروان‌ها در مناطق تحت تسلط کریم‌خان وجود دارد (گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۱۰)؛ اما در مجموع و بر اساس همین گزارش‌ها، می‌توان سیاست‌های کریم‌خان در مهار و کنترل قدرت

مخالفتان و عناصر خودسر به خصوص در شیراز را موفقیت‌آمیز دانست (همان، ۱۲۳). با وجود این، سیاست‌های کریم‌خان در حفظ تمامیت ارضی ایران موفقیت‌آمیز نبود (همان، ۱۰۹ - ۱۱۰؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۵۳ - ۵۴). حتی می‌توان گفت، کم توجهی و یا ناتوانی او به اطاعت کامل ایالات دوردست، مانند آذربایجان، شیروان و خراسان خود زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و جداسازی‌ها در اوایل عصر قاجاریه شد. البته اقدام کریم‌خان در کشتار برخی از بزرگان زندیه (با دلیل یا به علت سوء ظن) نیز باعث شد تا در هنگام مرگ جانشین شایسته‌ای از خود باقی نگذارد. نتیجه مهم این موضوع، ایجاد کدورت و درگیری بین مردم شیراز با جانشینان اغلب نالایق او و در نتیجه تسریع سقوط حکومت زندیه و روی کار آمدن حکومت قاجاریه بود.

۴،۳ مناسبات کریم‌خان با دانشمندان و هنرمندان

کریم‌خان با اینکه خود فرد تحصیل‌کرده‌ای نبود اما توجه خاصی به هنر و ادبیات داشت. به گزارش منابع آن دوران، شیراز در زمان او به محل اجتماع هنرمندان، دانشمندان، نویسندگان، شاعران و عارفان تبدیل شده بود (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۳۳؛ دنبلی، ۱۳۴۹: ج ۱، ۱۲۹ - ۱۳۰، ۲۴۱ - ۲۴۲، ۱۵۰). با وجود این، فرانکلین به بی‌توجهی کریم‌خان نسبت به یکی از نویسندگان و مورخان شیراز و رنجش وی اشاره کرده است (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۸۵ - ۸۶). رابطه کریم‌خان با پزشکان نیز حسنه بود. به طور نمونه میرزا نصیرالدین طبیب اصفهانی یکی از پزشکان معروف شیراز در دوره زندیه بود که نزد کریم‌خان و سایر امرای زندیه محترم بود (غفاری‌کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۹۲). دنبلی او را خواجه نصیر ثانی می‌داند که به دعوت کریم‌خان از اصفهان به شیراز مهاجرت کرده بود (دنبلی، ۱۳۴۹: ۱/۱۶۲).

مناسبات کریم‌خان زند با موسیقی دانان نیز حسنه بود و به طور کلی موسیقی از جمله هنرهایی بود که در این زمان رونق گرفت. منابع عصر زندیه به علاقه کریم‌خان به موسیقی و رواج آن در شیراز اشاره کرده‌اند. از جمله نامی اصفهانی از «مغنیان نغمه‌پرداز و مطربان برپن نواز و موسیقی دانان موسیقار ساز» در زمان او صحبت کرده است (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۴). همچنین روایت رستم - الحکما از مناسبات دوستانه بین کریم‌خان زند با مطربان و رامشگران شیراز حکایت دارد (رستم - الحکما، ۱۳۸۲: ۳۶۱ - ۳۶۴). حتی به دستور کریم‌خان در دسته‌های نظامی، فواصل بین دو جنگ

و در هنگام استراحت سربازان نیز از موسیقی استفاده می‌شد. به طور نمونه، مؤلف گیتی‌گشا به اقدام کریم‌خان در تهران پس از بازگشت از نبرد آذربایجان چنین اشاره کرده است: «در قصر دولت و کاخ جلادت از وصل کواغب اتراب و نعمات جنگ و رباب و کیفیت شراب و نشانه باده ناب فیض جو و کامیاب گشتند» (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۹۹).

منابع دوره قاجاریه مانند سایکس نیز به علاقه کریم‌خان زند به موسیقی و توجه وی به نقش آن در روحيات مردم شیراز اشاره کرده‌اند (سایکس، ۱۳۸۰: ۲، ۴۰۴ - ۴۰۵).

۵،۳ روابط کریم‌خان با اقشار پایین دست جامعه

منابع دوره زندیه از مناسبات حسنه کریم‌خان با اقشار پایین دست جامعه مانند کارگران گزارش می‌دهند (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۴ - ۱۵۶؛ رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۴۳۶). حتی فسایی از نویسندگان عهد قاجاریه معتقد است، کریم‌خان به جای نشان دادن زرق و برق شاهی، مانند اقشار پایین دست جامعه لباس‌های ارزان قیمت و ساده می‌پوشید (فسایی، ۱۳۸۲: ۱ / ۶۱۵ - ۶۱۶). به طور کلی، کریم‌خان تلاش می‌کرد، مردم شیراز را از خود نرنجاند و با انجام اقداماتی مانند جلوگیری از گران‌فروشی و حمایت از اقشار ضعیف در هنگام بروز بحران‌های طبیعی مانند قحطی و خشکسالی، موجبات رضات مردم را فراهم آورد.

او در شیراز بهای ثابتی برای خواربار و کالاهای دیگر تعیین کرد و تلاش کرد با گران‌فروشی مأموران حکومتی برخورد کند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۰؛ گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۶). حتی هنگامی که در اواخر حکمرانی کریم‌خان به علت هجوم ملخ در شهر شیراز کمبود غله احساس شد، برای حمل غله تعدادی از حیوانات باربر را به خارج از شهر اعزام کرد. هنگامی که پس از وارد شدن غله به علت سختی راه قیمت‌ها بالا رفت، توصیه برخی از مشاورانش مبنی بر فروش غله با قیمت بیشتر به مردم را نپذیرفت. او دستور داد گندم را به قیمت کمتر به مردم فروشند و بدین‌تریب با پرداخت کمک مالی از سوی دولت قحطی برطرف شد (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۴۳۷؛ پری، ۱۳۶۸: ۳۴۱). کریم‌خان حتی در مبحث مربوط به مالیات که معمولاً از

موضوعات مناقشه‌آمیز بین حاکمان با مردم بود، حساس بود. برخی منابع گزارش داده‌اند که کریم‌خان به مقامات و کارکنان مسئول در جمع‌آوری مالیات هشدار داده بود در صورتی که مالیات اضافی از مردم بگیرند، جریمه و مجازات خواهند شد (پری، ۱۳۶۸: ۳۲۷).

کریم‌خان همچنین، شخصاً در دیوان مظالم شرکت و به شکایات مردم شیراز رسیدگی می‌کرد. او به دلیل تلاش برای برقراری عدالت و اعتدال، اعتماد مردم را جلب کرد. البته او با اینکه در اجرای عدالت سخت‌گیر بود و جنایتکاران را تنبیه می‌کرد، اما در صورت امکان و بر خلاف پادشاهان دیگر از مجازات‌های سخت خودداری می‌کرد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۸۸؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۵۳۹ - ۵۴۰).

مجموعه این عوامل باعث شده بود تا شهر شیراز در آن زمان به یکی از شهرهای خوب ایران برای زندگی تبدیل شود که حتی اقشار ضعیف جامعه از پادشاه رضایت داشتند. منابع مختلف آن عصر نیز به روابط حسنه بین کریم‌خان زند با اقشار مختلف جامعه شیراز اشاره کرده‌اند (گلستانه، ۱۳۵۶: ۳۴۲؛ دنبلی، ۱۳۴۹: ۱/ ۲۶۹ - ۲۷۰). این موضوع در مطالب سفرنامه‌نویسان خارجی نیز ذکر شده است. از جمله فرانکلین معتقد است، انتخاب شیراز به پایتختی به علت مهربانی‌ها و پشتیبانی‌های مردم شهر نسبت به کریم‌خان بود. البته او اشاره کرده است، که ساکنان شیراز بیش از مردم شهرهای دیگر ایران، از خوبی‌ها و مواهب کریم‌خان برخوردار شدند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۸۷، ۹۶). در گزارش‌های هیئت‌های تبلیغی کاتولیک و فرستادگان پاپ نیز از کریم‌خان به عنوان پادشاهی مهربان یاد شده که با حاکمیت عاقلانه خود موجبات آرامش در شیراز و ایلات تحت تابعیت خود را فراهم کرده است (کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه، ۱۳۸۱: ۱۰۴ - ۱۰۵) منابع داخلی و خارجی دوره قاجاریه نیز به مناسبات حسنه او با مردم شیراز اشاره کرده‌اند. به طور نمونه خورموجی او را پادشاهی رؤف و عادل معرفی کرده است (خورموجی، ۱۳۳۹: ۳۱). اولیویه نیز که مطالب خود را در دوران انتقال سلطنت آقامحمدخان به فتحلی شاه به نگارش درآورده، کریم‌خان را «محبوب ملت» معرفی می‌کند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۵). اسکات و ارینگ نیز هر چند انتقادهایی از کریم‌خان دارد، اما در مجموع او را پادشاهی محبوب در بین اذهان مردم شیراز در دوره فتحلی شاه توصیف می‌کند (اسکات و ارینگ، ۱۳۹۷: ۶۳). حتی کرزن معتقد است، کریم‌خان در اقدامات عمرانی و ساختمانی

شهر شیراز بیشتر از زیبایی شهر به آسایش و بهبود وضع مردم توجه داشت (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۱۲۲). این در حالی است که شیراز در دوره کریم خان از لحاظ هنر و معماری به اوج رونق خود رسید.

۳،۶ کریم خان و لولیان

کریم خان علی رغم برقراری نظم و امنیت در شیراز، با فواحش و لولیان شیراز برخورد تند و خشنی اتخاذ نکرد. پدیده فعالیت زنان بدکاره و اماکنی برای عرضه این خدمات، قبل از حکومت زندیه و به خصوص در عصر صفویه نیز وجود داشت. حکومت زندیه میراث دار حکومت صفویه بود و به همین خاطر پدیده زنان روسپی به این دوران نیز منتقل شد. به نظر می‌رسد، کریم خان از این سیاست، اهداف مختلفی را دنبال می‌کرد. او از یک طرف تصور می‌کرد برای جلوگیری از بروز فساد و آلودگی شیراز، می‌بایست فواحش را در خارج از شهر مستقر کند. زیرا معتقد بود که وجود این قبیل مراکز برای حفظ، رعایت و احترام عفت عمومی لازم است. همچنین از این طریق توانست جوانان شرور شهر و حتی آنهایی که از ایالات دوردست ایران به عنوان گروگان در شیراز نگه داشته شده بودند را به این مراکز فرستاده و از این طریق آنها را سرگرم کند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۳۵۷ - ۳۵۸؛ ذنبلی، ۱۳۵۰: ۲/۴۳). از طرفی حکومت زندیه حامل پیامدهای اجتماعی سقوط صفویان نیز بود. با سقوط صفویه جامعه ایران دچار بحرانی طولانی شد و به نظر می‌رسد همین مسئله در تداوم رسم روسپی چه در میان زنان کنشگر این پدیده و چه مردان متقاضی آن در شیراز، تأثیر داشته است. شاید هم کریم خان با این کار قصد داشت، به نوعی افسردگی‌های اجتماعی ناشی از ده‌ها سال نابسامانی، جنگ و ستیز و نیز هیجانات جنسی یک جامعه سنتی را تخلیه کند (الهیاری، افخمی عمله‌قشقای، حاتمی، ۱۳۹۹: ۷۶-۷۷). البته به نظر می‌رسد کریم خان از این اقدام اهداف اقتصادی نیز دنبال می‌کرد، تا آنجا اسکات وارینگ که بیش از دو ده بعد از مرگ او به شیراز سفر کرده است، در این باره چنین می‌نویسد: «در ایران بیشترین مالیات را رقاصه‌ها و عیاش‌ها به حکومت می‌پرداختند» (اسکات وارینگ، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

به نظر می‌رسد، این اقدام علی‌رغم داشتن مزایای ذکر شده برای حکومت، بدون عیب هم نبود و به خصوص در سست شدن بنیاد خانواده در دوران کریم خان تأثیرگذار بود. تا آنجا که صاحب رستم‌التواریخ به صراحت به این موضوع اشاره کرده و چنین نوشته است: «چنان سرگرم این کار و

شیفته این اطوار گردیدند که اهل و عیال و یار و دیار را فراموش و با لعبت غرور، دمساز و با شاهد غفلت، هم‌آغوش گردیدند» (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۳۵۷). دنبلی نیز از کریم‌خان انتقاد می‌کند که دارالعلم شیراز را به دارالعیش تبدیل کرده است (دنبلی، ۱۳۵۰: ۴۳/۲). به نظر می‌رسد هر چند دیدگاه اکثریت مردم شیراز از این اقدام کریم‌خان، مانند نوشیدن شراب از سوی او، با توجه به مسلمان بودن بیشتر آنها منفی بوده است؛ اما آنها به دلیل رضایت کلی از سیاست‌های حکومت، عکس‌العمل تندی به این موضوع نشان نداده‌اند. با همه این تفاسیر، هر چند دوران فرمانروایی کریم‌خان در شیراز بدون اشکال نبود، اما به نظر می‌رسد در مجموع می‌توان، حکومت کریم‌خان را یک نوع حکومت اقتدارگر از نوع کارآمد معرفی کرد.

۷،۳ مناسبات جانشینان کریم‌خان با مردم شیراز

با درگذشت کریم‌خان زند در ۱۱۹۳ ه.ق و آغاز مشاجره و منازعه داخلی میان اعضای خاندان زند بر سر جانشینی او و در نتیجه شکل‌گیری دوباره ناپایداری سیاسی در شیراز، آرامش، صلح، نظم، امنیت و خدمات اجتماعی و عمرانی در شیراز پایان یافت (کلاتر، ۱۳۲۵: ۶۸-۱۰۰؛ شیرازی، ۱۳۶۵: ۶۳-۷۵). بعد از مرگ کریم‌خان، ابوالفتح خان فرزند او به پادشاهی انتخاب شد. فرانکلین او را مردی «انسان‌دوست، عادل و دلباز» معرفی کرده است (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۶) و میرزا عبدالله شهاب ترشیزی از شاعران زمان زندیه، او و کریم‌خان زند را مورد مدح و ستایش قرار داده است (ترشیزی، نسخه خطی: ۸۳-۸۶). با وجود این، ابوالفتح خان، قدرت و نیروی لازم برای برخورد با دیگر مدعیان قدرت و نیروهای گریز از مرکز را نداشت و بعد از مدتی زکی خان، برادر کریم‌خان، ابوالفتح خان و برادرانش را به زندان انداخت و خود عملاً زمام امور کشور را در دست گرفت. مردم شیراز نیز به دلیل ترس و وحشتی که از کشتار زکی‌خان داشتند، نتوانستند از ابوالفتح خان حمایت کنند و فرانکلین به همین دلیل آنها را به شدت مورد سرزنش قرار می‌دهد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۶).

زکی خان نزدیک به ۱۰۰ روز بر فارس و اصفهان با اختیارات تام حکومت کرد. منابع او را فردی سفاک، سنگدل و خونخوار توصیف می‌کنند (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۲۴؛ رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۴۴۱-۴۴۵؛ غفاری کاشانی، ۱۴۰۴ ه.ق: ۴۳۳). در این میان، فرانکلین از او با عنوان «خون‌آشام‌ترین و

قسی القلب ترین حکام ایران» نام می برد که حتی خوانین زندیه را به شکل بی رحمانه ای قتل عام کرد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۲، ۹۵).

زکی خان سرانجام توسط سربازان ناراضی به قتل رسید و سپس صادق خان برادر دیگر کریم خان زند، قدرت را در شیراز به دست آورد. از اولین اقدامات او در شیراز نیز، نابینا کردن ابوالفتح خان و به زندان انداختن دوباره او بود (همان، ۹۵-۹۶). در زمان صادق خان، یکی دیگر از مدعیان قدرت به نام علی مراد خان، خواهرزاده زکی خان، بیشتر مناطق ایالت فارس را تصرف کرد. منابع وضعیت مردم شیراز در این زمان را بسیار اسفناک توصیف کرده اند. از جمله فسایی در این باره چنین می نویسد: «رفته رفته تمامی اهالی فارس کمر اطاعت علی مراد خان را بستند جز بیچاره مردم شیراز که از بیرون و اندرون شهر گرفتار قتل و کوری و دست و پا بریدن بودند، از یک طرف از صبح تا عصر مشغول جنگ و از یک طرف آه و ناله مظلومان ایلات را شنیدن. عجب قیامتی برپا بود!!!» (فسایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۶۲۴).

دیری نباید که شهر شیراز تحت محاصره سپاهیان علی مرادخان قرار گرفت. گفته شده در جریان محاصره شهر که نزدیک به یک سال به طول انجامید، قیمت اجناس و مواد غذایی بسیار افزایش یافت و تعداد زیادی از مردم شیراز بر اثر قحطی و بیماری مردند. سرانجام خود صادق خان نیز دستگیر و کشته شد (همان، ۶۲۵؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۲۰-۶۲۲). فسایی درباره قیمت برخی از مواد غذایی در این دوره چنین می نویسد: «قیمت غله از قرار یک من تبریزی به دو هزار و پانصد دینار، داد و ستد نمودند تمامت حبوبات به یک نرخ بود و یک فرد [رأس] گاو به پانزده تومان رسید» (فسایی، ۱۳۸۲: ۱/۶۲۵). با مقایسه قیمت اجناس ذکر شده در پایان دوران صادق خان و اوایل حکمرانی علی مراد خان با عصر کریم خان زند می توان به اوضاع اقتصادی بسیار متفاوت مردم شیراز پی برد. درباره قیمت این اجناس در دوران کریم خان چنین نوشته شده است: «گندم: یک من، به وزن شاه، پنجاه دینار [بود]. گاو آب کش خوب: یک رأس، یک تومان و گوسفند نر فربه: یک رأس، پانصد دینار [بود]» (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۳۱).

برخی منابع علی رغم انتقاد از علی مرادخان، به تلاش او برای ارتباط با تجار و بازرگانان شیراز و برقراری نظم و امنیت در شهر اشاره کرده اند. از جمله گفته شده که او به هر یک از تجار شیرازی،

«مبلغ سی تا چهل تومان» پرداخت کرد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹۷). با وجود این برخی منابع به گرفتن بیش از اندازه مالیات از مردم شیراز و شکنجه و آزار و اذیت آنها اشاره کرده‌اند (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۴۳؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۱/ ۶۲۶). علی‌مرادخان بعد از مدتی به اصفهان رفت و صیدمراد خان را به جای خود به حکمرانی شیراز انتخاب کرد. او نیز بر مردم شیراز بسیار سخت‌گیری کرد، تا آنجا که تعداد زیادی از مردم شیراز مجبور به مهاجرت از شیراز شدند (فسایی، ۱۳۸۲: ۱/ ۶۲۶). علی‌مراد خان که نتوانسته بود موجبات رضایت مردم شیراز را فراهم آورد، سرانجام در سال ۱۱۹۹ ه.ق بر اثر بیماری درگذشت (همان، ۶۳۰) و جعفرخان، پسر صادق خان، به حکومت زندیه دست یافت.

در زمان حکمرانی جعفرخان بار دیگر یک سیستم نظمی دولتی در شیراز تشکیل شد که به دلیل ایجاد امنیت، مورد علاقه و احترام مردم قرار گرفت. به طور نمونه با گران‌فروشان و دزدان در زمان او برخورد خشونت‌آمیز می‌شد و آنها به شدت مجازات می‌شدند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۰، ۴۴ - ۴۵، ۱۰۳). حتی برگزاری آیین‌های مذهبی مانند مراسم عیدقربان از سوی جعفرخان، در برقراری مناسبات حسنه بین او با گروه‌هایی از مردم شیراز نقش داشت (همان، ۴۲ - ۴۳). به نظر می‌رسد این گونه اقدامات جعفرخان در برقراری ثبات و نظم در شیراز تا حدودی به کریم خان شباهت داشت و این موضوع موجبات رضایت مردم را فراهم آورده بود. فرانکلین که در این زمان در شیراز حضور دارد، دوران حکمرانی جعفرخان را چنین توصیف می‌کند: «در هیچ نقطه‌ای از دنیا می‌توانستیم زندگی به اندازه به خوبی و فراوانی شیراز به دست نمی‌آید» (همان، ۴۳ - ۴۴).

با وجود این، دوران جعفرخان تفاوت زیادی با عصر کریم‌خان داشت و انجام برخی اقدامات از سوی او، موجبات نارضایتی برخی گروه‌ها را فراهم کرده بود. از جمله این موارد می‌توان به، گرفتن پیشکش از تاجران و بازاریان شیراز و مجبور کردن آنها به تزئین مغازه‌هایشان در هنگام برگزاری برخی مراسم‌ها، گرفتن خراج و هدایای زیاد از برخی اقلیت‌های مذهبی و به خصوص یهودیان، ناتوانی در رونق بخشیدن به تجارت و صنایع ایران و شکست فعالیت‌های تجاری شرکت انگلیسی هند شرقی در شیراز به دلیل ناامن بودن راه‌ها اشاره کرد (همان، ۱۳ - ۱۴، ۲۰، ۳۸، ۴۵). حتی در این دوره، مواردی از شکایت تجار و بازرگانان شیراز از مأموران گمرک حاضر در گمرک‌خانه یاد شده است. با اینکه فرانکلین به عدم آگاهی جعفرخان از اقدام مأموران گمرک علیه بازرگانان و

تجار اشاره کرده است (همان، ۴۵ - ۴۶)؛ اما نباید به طور کامل او را از این حوادث مبرا دانست. بدون تردید تجار و بازرگانان شیراز از جعفرخان به عنوان بالاترین مقام سیاسی انتظار چنین حوادثی نداشتند و وقوع چنین حوادثی در نحوه مناسبات آنها با حکومت تأثیر سوء می‌گذاشت. جعفرخان در سال ۱۲۰۲ ه.ق، به دست عده‌ای از امرای زند کشته شد و صید مرادخان زند جانشین او شد. لطفعلی‌خان زند فرزند جعفرخان پس از اطلاع از قتل پدر به سوی شیراز حرکت کرد و پایتخت را از تصرف صید مراد خان خارج ساخت و در سال ۱۲۰۳ ه.ق به تخت نشست (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۰۶). به نظر می‌رسد با توجه به آن چه گفته شد، دوران پادشاهی برخی از جانشینان کریم خان مانند زکی‌خان، علی‌مراد خان و حتی صادق خان را می‌توان از نوع حکومت اقتدارگرا (ناکارآمد) تحلیل کرد.

۴. تأثیر مناسبات حکومت زندیه با مردم شیراز بر تأسیس حکومت قاجاریه

منابع دوره زندیه و قاجاریه از نحوه مقاومت مردم شیراز در قبال قاجارها و به طرفداری از سلسله زندیه و تأثیر مناسبات حاکمان زندیه با مردم شیراز بر روی کار آمدن حکومت قاجاریه یا مطالبی ذکر نکرده‌اند و یا اخبار متناقضی گزارشی کرده‌اند. سرهار فورد جونز از مخالفت‌های البته بی‌نتیجه اقشار مختلف جامعه شهری شیراز با حاج ابراهیم کلانتر و قاجارها و هواداری از سلسله زند مطالبی نوشته است (جونز، ۱۳۵۶: ۴۹ - ۵۰). برخی از مورخان و سفرنامه‌نویسان دوره قاجاریه نیز به نوعی گفته‌های جونز مبنی بر حمایت اقشار مختلف جامعه شهری شیراز از لطفعلی خان و مخالفت با آقا محمدخان را تأیید می‌کنند. به طور نمونه، اسکات وارینگ سیاح انگلیسی که در زمان فتح‌شاه قاجار به شیراز سفر کرده از ویرانی بسیاری از خانه‌های شهر توسط آقامحمدخان قاجار صحبت کرده است (اسکات وارینگ، ۱۳۹۷: ۶۱). به اعتقاد او طایفه قاجاریه در دوره پادشاهی کریم‌خان زند، در بین مردم بدنام بودند و حتی بازاریان از فروختن اجناس خود به آنها خودداری می‌کردند. به گفته او، مردم آنها را با عباراتی مثل «بداخلاق» و «گنده‌دماغ» توصیف می‌کردند (همان، ۱۲۷ - ۱۲۸). اولیویه نیز به عدم محبوبیت آقامحمدخان در بین عامه مردم اشاره کرده است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۵). حتی برخی اقدام آقامحمدخان در خراب کردن دیوار اطراف شیراز و پر کردن خندق آن بعد از سقوط حکومت زندیه را ترس از مخالفت مردم شیراز و راه ندادن او به شهر دانسته‌اند (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲:

۱ / ۷۱). در مقابل برخی منابع از هواداری اقشار مختلف جامعه شهری شیراز از آقامحمدخان و مخالفت آنها با لطفعلی‌خان سخن گفته‌اند (رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۴۷۱).

به نظر می‌رسد، واکنش جامعه شهری شیراز و به ویژه بازاریان در هنگام نبرد بین لطفعلی‌خان زند و آقامحمدخان قاجار، در ابتدا حمایت از رهبر قاجاریه بود؛ اما ایلات هوادار حکومت زندیه به مخالفت با قاجارها پرداختند. اقشار مختلف مردم شیراز، علی‌رغم خدمات زیاد کریم‌خان زند، از فشارها و درگیری‌های بعد از مرگ او به ستوه آمده بودند و تصور می‌کردند با به قدرت رسیدن قاجاریه و شکل‌گیری امنیت و استقرار حکومت مرکزی مقتدر، اوضاع آنها به زمان کریم‌خان نزدیک خواهد شد. فرانکلین نیز به نقش ثبات سیاسی و تأثیر آن در مناسبات بین حکومت و جامعه شهری شیراز اشاره کرده است و چنین می‌نویسد: «مردم از زمان مرگ کریم‌خان تا به حال [زمان جعفرخان زند] هرگز از آرامش کامل برخوردار نبوده‌اند، اما اگر دولت ثابت و پابرجائی بر سر کار بیاید تردیدی وجود ندارد که کارها رونق خواهد گرفت...» (فرانکلین، ۱۳۵۸، ص ۴۵).

بنابراین اقدامات کریم‌خان زند و جانشینان او و نحوه مناسبات آنها با اقشار مختلف مردم شیراز، در روی کار آمدن حکومت قاجاریه تأثیرگذار بود. مردم شیراز از اقدامات و سیاست‌های کریم‌خان زند رضایت داشتند و او را به عنوان یک الگوی حکمرانی خوب می‌شناختند. بنابراین هنگامی که با جانشینان اغلب نالایق او روبه‌رو شدند، تلاش کردند با حمایت از آقا محمدخان، حداقل به دوران طلایی کریم‌خان زند نزدیک شوند.

استقرار حکومت زندیه به رهبری کریم‌خان بر پایه کمک گرفتن از قدرت نظامی نیروهای قبایل مختلف بنا شده بود و به همین دلیل مؤسس حکومت زندیه تلاش کرد بعد از تشکیل حکومت نیز به حمایت از قبایل بپردازد (حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۷۹؛ رستم‌الحکما، ۱۳۸۲: ۳۵۵ - ۳۵۶). کریم‌خان زند بسیاری از طوایف لر، لک و کرد را برای پشتیبانی از حکومت خود در حوالی شیراز اسکان داد (فسایی، ۱۳۸۲: ۱/ ۶۱۴ - ۶۱۵). با وجود این، کریم‌خان زند در حمایت از نیروهای قبایل هوادار خود افراط نکرد و با اتخاذ سیاست مناسب و انجام اقدامات عامه پسند، حمایت بازرگانان و پیشه‌وران و دیگر اقشار جامعه شهری شیراز را بعد از رسیدن به حکومت به دست آورد. اقدامی که از سوی جانشینان کریم‌خان زند ادامه نیافت، زیرا آنها با شروع جنگ‌های داخلی به قدرت نظامی

قبایل برای غلبه بر دیگر رقبیان پادشاهی نیاز داشتند و عناصر شهرنشین را کمتر در امور مملکتی و لشکری سهیم دانستند. لطفعلی خان زند نیز از این قاعده مستثنی نبود و در مقابله با آقامحمد خان قاجار همین سیاست را در پیش گرفت (شیرازی، ۱۳۶۵: ۹۶). علاوه بر این وقوع جنگ و درگیری بین جانشینان کریم خان، باعث از بین رفتن نظم و امنیت در شیراز و در نتیجه کاهش تجارت و بازرگانی شد. مجموعه این عوامل، تجار شیراز را با دیگر اقشار جامعه شهری متحد کرد تا با رهبری حاج ابراهیم کلانتر زمینه‌های سقوط حکومت زندیه را فراهم کنند.

لطفعلی خان خود نیز به عدم حمایت بخشی از بازاریان و کاسبان شیراز از او و حمایت از حاج ابراهیم کلانتر به شرح زیر اشاره کرده است: «این مرد خائن هرچه باشد شهری است و اتباع او چند نفری از اهل بازار و کاسب پیشه‌اند و هرگز تاب مقاومت با سپاه ظفرپناه که جز تفنگ و شمشیر نشناخته‌اند، نیاورند» (فسایی، ۱۳۸۲: ۱ / ۶۴۷ - ۶۴۸). با وجود این برخلاف نظر لطفعلی خان مبنی بر کم اهمیت دانستن قدرت هواداران شهری حاج ابراهیم کلانتر، سرانجام آقا محمدخان قاجار با اتحاد با آنها، قبایل مسلح هوادار لطفعلی خان زند را خلع سلاح کرد و وارد شهر شد. لطفعلی خان نیز در سال ۱۲۰۹ ه.ق، دستگیر و کشته شد (همان، ۶۵۰: کوزنتسوا، ۱۳۸۶: ۲۱). به نظر می‌رسد دوران پادشاهی ابوالفتح خان و لطفعلی خان زند را می‌توان در دسته دوم (حکومت غیرمقتدر) مناسبات حکومت و جامعه شهری شیراز عصر زندیه قرار داد.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، انگاره غالب در زمینه وجود حاکمیت استبداد مطلقه و عدم تأثیرگذاری گروه‌ها و اقشار مختلف مردم در جامعه ایران که در نظریه‌هایی مانند استبداد شرقی و شیوه تولید آسیایی به آن اشاره شده است را زیر سؤال می‌برد. این پژوهش نشان می‌دهد، مناسبات حکومت و جامعه شهری شیراز عصر زندیه در دوره‌های مختلف حاکمان این سلسله یکسان نبود و چگونگی اقدامات حاکمان مانند برقراری نظم و امنیت در شهر، برقراری عدالت در جامعه، برخورد با ظلم و ستم مأموران حکومتی، خدمات اجتماعی و عمرانی و جلب حمایت همزمان نیروهای قبایل و گروه‌های شهری، نقش مهمی در واکنش مردم و روابط بین آنها با حکومت، میزان رضایتمندی جامعه و همچنین تداوم و یا سقوط حاکمان داشت. بنابراین نمی‌توان، یک الگوی ثابت در مناسبات

بین حاکمان زندیه با جامعه شهری شیراز در نظر گرفت. به طور کلی مناسبات حکومت زندیه با مردم شیراز را می‌توان در دو دسته حکومت اقتدارگرا (قوی و قدرتمند) و غیرمقتدر (ضعیف و ناتوان) تقسیم کرد. حکومت‌های اقتدارگرا را می‌توان به دو دسته حکومت‌های کارآمد با ویژگی‌های کلی خیرخواهانه حاکم و رضایت نسبی مردم و حکومت‌های ناکارآمد با ویژگی‌های منفعت طلبی فردی حاکم و در نتیجه نارضایتی مردم تقسیم کرد. در این میان، حاکم در حکومت غیرمقتدر، فاقد قدرت لازم برای اعمال حاکمیت قوی و قدرتمند از نوع کارآمد و یا ناکارآمد است. در این دسته به نسبت میزان کاهش قدرت پادشاه، با خیزش و شورش نیروهای یاغی در سراسر کشور، افزایش ناامنی در جامعه، رکود اقتصادی در کشور، سوء استفاده مأموران حکومتی و غیرحکومتی از کاهش اقتدار پادشاه و در نتیجه فشار و خشونت بر اقشار مختلف جامعه مواجه‌ایم. از جمله پیامدهای چنین وضعیتی می‌توان به نارضایتی اقشار جامعه شهری و حتی سقوط پادشاه و روی کار آمدن حاکمی جدید و یا حتی سلسله‌ای دیگر اشاره کرد. این موضوع در روی کار آمدن حکومت قاجاریه و سقوط حکومت زندیه نیز تأثیرگذار بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، دوران حکومت کریم‌خان زند و تا حدودی جعفرخان زند را می‌توان در دسته حکومت‌های اقتدارگرا (از نوع کارآمد)، دوران حکومت زکی خان، صادق خان و علی‌مراد خان را در دسته حکومت‌های اقتدارگرا (از نوع ناکارآمد)، و دوران حکومت ابوالفتح خان و لطفعلی خان زند را در دسته حاکمان غیرمقتدر قرار داد.

فهرست منابع و مطالعات

استرآبادی، محمد مهدی بن محمد نصیر (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، تصحیح عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اسکات وارینگ، ادوارد (۱۳۹۷)، *سفر به شیراز و دیگر شهرهای جنوبی*، ترجمه عبدالرضا کلمرزی و رضا صالحیان کوشک قاضی، تهران: نامک.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۶۷)، *مراه البلدان*، با تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

الهیاری، حسن. افخمی، پژمان، افخمی عمده قشقایی. حاتمی، امیرحسین (۱۳۹۹): «علل و پیامدهای اجتماعی شکل گیری محله خراباتیان شیراز در عصر زندیه»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره دوازدهم، شماره دوم، ص ۵۹ - ۸۱.

انگلس، فریدریش (۱۳۸۲)، *آنتی دورینگ: انقلاب آقای دورینگ در علم*، تهران: جامی.
 اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
 اونیل، پاتریک (۱۳۸۶)، *میانی سیاست مقایسه ای*، ترجمه سعید میرترابی، تهران: قومس.
 آبراهامیان، پرواندا (۱۳۷۶)، «استبداد شرقی: بررسی ایران عصر قاجار»، در مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه، ص ۱ - ۵۵.
 بیات، اروج بیک (۱۳۳۸)، *دو ن ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پاک‌شیر، عبدالرضا (۱۳۸۹)، «شکل‌گیری و تحول بازار در شهرهای ایرانی - اسلامی، با تأکید بر بازار وکیل شیراز»، محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور، *مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه*، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ص ۸۰۳ - ۸۲۴.

پری، جان ر (۱۳۶۸)، *کریم‌خان زند*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: نشر نو.
 پیرزاده نائینی، حاج محمدعلی (۱۳۴۲)، *سفرنامه حاجی پیرزاده: از تهران تا لندن*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

ترشیزی، عبدالله بن حبیب الله ترشیزی، *دیوان شهاب*، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی: نسخه خطی.

جونز، سرهار فورد (۱۳۵۶)، *آخرین روزهای لطفعلی خان زند*، ترجمه هما ناطق و جان گرنی، تهران: امیرکبیر.

جونز، سرهار فورد (۱۳۸۶)، *خاطرات سرهارفورد جونز: روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث.

- حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، *وقایع‌السنین و الاعوام، یا گزارش‌های سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۱۹۵ هجری، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: ایران.*
- خلیفه، مجتبی (۱۳۸۹)، «جایگاه تجاری شیراز در دوره زندیه»، محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور، مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ص ۲۵۱ - ۲۶۸.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۳۹)، *آثار جعفری، موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی: چاپ سنگی.*
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، *سفرنامه: قسمت مربوط به ایران، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.*
- دُنْبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۴۹)، *تجربه‌الاحرار و تسلیه‌الابرار، ج ۱، به تصحیح و تحشیه حسن قاضی طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.*
- دُنْبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۵۰)، *تجربه‌الاحرار و تسلیه‌الابرار، ج ۲، به تصحیح و تحشیه حسن قاضی طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.*
- دهقانی، مهدی (۱۳۹۷)، «جایگاه شهرها در مناسبات سیاسی - نظامی با مدعیان جانشینی کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۲۰۹ق)»، *مطالعات ایرانی، سال هفدهم، شماره ۳۴، ص ۸۹ - ۱۰۸.*
- دهقانی، مهدی و رضا شعبانی (۱۳۹۴)، «ساختار و عملکرد سیاسی - نظامی شهرها در دوره قدرت گیری کریم خان زند»، *تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۵، ص ۵۷ - ۸۲.*
- دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۱)، *ایران، کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.*
- رحمانیان، داریوش و حسین هژبریان (۱۳۹۱): «استبداد و انحطاط ایران از نگاه سفرنامه نویسان خارجی»، *مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره سیزدهم، ص ۹۱ - ۱۱۱.*
- رستم‌الحکما، معروف به محمدهاشم آصف (۱۳۸۲)، *رستم‌التواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.*

رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۹)، «رابطه نهاد سیاسی و مذهبی در حکومت زندیه؛ دوره تعامل محدود»، تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، شماره ۵، ص ۵۷ - ۸۳.

رومز، شهرزاد (۱۳۸۹)، «موسیقی در دوره زندیه»، محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی پور، مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه، شیراز: بنیاد فارس شناسی، ص ۳۴۹ - ۳۵۸.

سایکس، سر پرسی مولزورث (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: افسون.

سمیعی اصفهانی، علی رضا (پاییز ۱۳۸۷)، «جامعه قدرتمند، دولت ضعیف تبیین جامعه‌شناختی مناسبات دولت، جامعه در ایران عصر قاجار»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳، ص ۱۱۷ - ۱۴۳.

شوشتری، میر عبداللطیف خان شوشتری (۱۳۶۳)، تحفه العالم و ذیل التحفه، سفرنامه و خاطرات، به اهتمام صمد موحد، تهران: کتابخانه طهوری.

شیرازی، ابن عبدالکریم علی رضا (۱۳۶۵)، تاریخ زندیه: جانشینان کریم خان زند، تصحیح ار نست بییر، ترجمه غلامرضا ورهرام، چاپ اول، تهران: نشر گستره.

غفاری کاشانی، احمد بن محمد (۱۴۰۴ ه.ق)، تاریخ نگارستان، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.

غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، گلشن مراد: تاریخ زندیه، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.

فرانکلین، ویلیامف (۱۳۵۸)، مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷ - ۱۷۸۶ میلادی، ترجمه محسن جاویدان، تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.

- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۹)، «ملاحظات دربار ساختار دولت و شیوه حکومتی کریم‌خان زند»، محمدعلی رنجبر و علی اکبر صفی‌پور، مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه، شیراز: بنیاد فارس-شناسی، ص ۵۰۵ - ۵۳۶.
- کاتوزیان، محمدعلی (همايون) (۱۳۸۰)، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلانتر، میرزاحمد (۱۳۲۵)، *روزنامه: شامل وقایع قسمت‌های جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ ه.ق.*، به اهتمام عباس اقبال، طهران: شرکت سهامی چاپ.
- کوزنتسوا، ن. آ. (۱۳۸۶)، *اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده هیجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*، در پژوهش‌هایی پیرامون تاریخ نوین ایران، ترجمه سیروس ایزدی و میترا ایزدی، تهران: ورجاوند.
- گراتتوفسکی، ادوین آرویدوویچ (۱۳۵۹)، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، تهران: پویش.
- گزارش کار ملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه (۱۷۲۹ - ۱۷۴۸) (۱۳۸۱)، ترجمه معصومه ارباب، تهران: نشر نی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدمبین (۱۳۵۶)، *مجموعه التواریخ: شامل وقایع و رویدادهای سی و پنج ساله بعد از نادرشاه*، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- متولی، عبدالله (۱۳۹۱)، «شالوده‌های شهری و مناسبات قدرت از فروپاشی افشاریه تا مرگ کریم خان زند»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۶۳ - ۸۳.
- ملکم، سرجان (۱۳۸۰)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه اسمعیل بن محمد علی حیرت، ج ۲، تهران: افسون.
- منتسکیو، روح القوانین (۱۳۴۹)، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوابی، عبدالحسین (۱۳۴۸)، *کریم‌خان زند*، بی‌جا: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، *سفرنامه*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.

ولی، عباس (۱۳۷۵)، «تناقض‌های مفهوم شیوه تولید آسیایی»، ترجمه پرویز صداقت، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۱۱ - ۱۱۲، ص ۱۸۰ - ۱۹۷.

ویتن‌فولگ، کارل اوگوست (۱۳۹۱)، *استبداد شرقی، بررسی تطبیقی قدرت تام*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.

هدایت، رضا قلی بن محمد هادی (۱۳۵۴)، *فهرس التواریخ*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹)، *روضه‌الصفای ناصری*، ج ۹، تهران: مرکزی، خیام، پیروز.